

بررسی تاثیر اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره بر بحران مالی با توجه به نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی

خه بات کریم فر

گروه حسابداری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.
karimfar60@gmail.com

تینا گودرزی

گروه مدیریت مالی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول).
tinagoodarzi257@gmail.com

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تاثیر اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره بر بحران مالی با توجه به نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی است. با استفاده از داده های ۱۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ به بررسی این رابطه پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهش، کاربردی، از لحاظ طرح پژوهش به جهت تکیه بر اطلاعات تاریخی، پس رویدادی بوده و روش استنتاج آن استقرایی و از نوع علی می باشد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار Eviews13 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از روش های همبستگی، رگرسیون و داده های ترکیبی جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. به طور خلاصه نتایج نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره با بحران مالی رابطه منفی و معناداری دارند و ارتباطات سیاسی بر رابطه منفی اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره با بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی، رابطه منفی اندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره با بحران مالی تقویت می گردد.

واژگان کلیدی: اندازه هیئت مدیره، زنان در هیئت مدیره، بحران مالی و ارتباطات سیاسی.

مقدمه

هدف این مطالعه درک بهتر بحران مالی است که در مرحله وخامت شرایط مالی قبل از وقوع ورشکستگی یا انحلال در مشاغل رخ می دهد. در صورت ادغام شرکت و گزارش منفی سود عملیاتی، سود خالص و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، ممکن است گفته شود که در بحران مالی قرار دارد. همانطور که از ظرفیت رو به وخامت شرکت برای ایفای تعهدات خود در قبال طلبکاران مشهود است، شرکتی که در مضيقه مالی قرار دارد، اغلب با مشکلات مالی مواجه است. هنگامی که یک بنگاه به دلیل نداشتن منابع مالی برای اجرای عملیات خود دچار تزلزل می شود یا قادر به پرداخت به طلبکاران نیست، مشکلات مالی ایجاد می شود. چرخه بحران مالی شرکت شامل زمان اولیه کاهش عملکرد تا پایین ترین نقطه آن و مرحله بهبود بعدی است. رابطه یا قرارداد بین اصیل و نماینده توسط نظریه نمایندگی توضیح داده می شود. کارگزاران توسط مدیران برای انجام فعالیتها به نفع خود استفاده می شوند، از جمله زمانی که مدیر اصلی اختیارات

تصمیم‌گیری را به عامل تفویض می‌کند (پراستو و همکاران، ۲۰۲۲). شرکت‌هایی با سهام به عنوان سرمایه و ثبت شده در بورس اوراق بهادار، جایی که سهامداران به عنوان اصلی و مدیریت به عنوان نماینده فعالیت می‌کنند. پایداری موجودیت، اصلی‌ترین چیزی است که همواره مبنای تعیین جهت سیاست‌گذاری و مدیریت یک نهاد بوده است. در حسابداری، پایداری یا تداوم فعالیت مبنای اصلی مندرج در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی است. این نشان می‌دهد که بقای یک موجودیت بسیار مهم است. بقای موجودیت شرایطی است که در آن یک واحد تجاری می‌تواند به نشان دادن موجودیت خود در رشته تجاری خود ادامه دهد. با این حال، حفظ یک واحد تجاری، به ویژه در فعالیت‌ها، آسان نیست، زیرا واحد تجاری همواره با خطر بحران مالی مواجه خواهد بود (ستیورینی، ۲۰۲۲).

عوامل متعددی می‌تواند بر بحران مالی تأثیر بگذارد. عواملی که شامل اندازه هیئت مدیره، زنان در هیئت مدیره، ارتباطات سیاسی و سودآوری است. اندازه هیئت مدیره یا تعداد کمیستران معیار لازم برای حاکمیت شرکتی برای کاهش مشکلات نمایندگی با مالکان و مدیران است. مفهوم سیستم یک لایه یک مفهوم شرکتی است که توسط یک ارگان اداره می‌شود، یعنی هیئت مدیره که به طور همزمان وظایف مدیریتی و نظارتی را انجام می‌دهد. در حالی که در یک سیستم دو لایه، ارگان‌هایی وجود دارند که مدیریت شرکت را انجام می‌دهند، یعنی ارگان‌های مدیریتی و ارگان‌هایی که نظارت را انجام می‌دهند. دستگاه‌های مدیریتی توسط دستگاه‌های نظارتی منصوب و عزل می‌شوند (یوهرتیان و همکاران، ۲۰۲۲).

مدیر زن به زنی گفته می‌شود که به عنوان مدیر در هیئت مدیره شرکت منصوب می‌شود. زنان تمایل کمتری نسبت به رفتارهای خودخواهانه دارند و کمتر بر نیازهای خود تمرکز دارند (پوروانوگراها، و همکاران، ۲۰۱۹). زنان به طور کلی ریسک‌گریزتر هستند و در تصمیم‌گیری‌ها دقت بیشتری نسبت به مردان دارند. زنان همچنین در تلاش برای بهبود کیفیت سود شرکت به دلیل حساسیت آنها به خطر از دست دادن شهرت و دعاوی قاطع‌تر هستند. در این میان، استفاده از متغیرهای ارتباط سیاسی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده، بر اساس نظر، توضیح می‌دهد که شرکت‌هایی که هیئت مدیره آنها مرتبط با سیاست هستند، قربانی‌هایی مانند بازپرداخت رشوه یا بودجه کمپین برای رفتارهای حامی دولت را تجربه می‌کنند. مزایایی که می‌توان به دست آورد دسترسی بیشتر به منابع مالی دولتی، افزایش تدارکات قراردادهای دولتی، حفاظت از رقابت در بازار و رفتار نظارتی مطلوب است، به طوری که می‌تواند بر سود حسابداری به دلخواه نماینده تأثیر بگذارد. نماینده به عنوان مدیر شرکت اطلاعات بیشتری را در مورد وضعیت شرکت و چشم‌انداز شرکت در آینده نسبت به مدیر عامل می‌داند، نماینده طرف مدیریت است که اختیار مدیریت شرکت به او داده می‌شود. بحران مالی را می‌توان در نگرش نمایندگان با نظریه نمایندگی مشاهده کرد. به منظور ارائه شواهد تجربی از نقش ارتباطات سیاسی در تعدیل اندازه هیئت مدیره، زنان در هیئت مدیره مشکلات مالی. در حسابداری مالی ارتباطات سیاسی به روابط نزدیک بین شرکت‌ها و احزاب سیاسی، مقامات ارشد دولتی و سیاستمداران اشاره دارد. دو دلیل رقابتی برای پیامدهای شبکه‌های سیاسی وجود دارد که می‌تواند منجر به حاکمیت صنعتی ضعیف شود و به دلیل نگرش مدیرانی که می‌خواهند دستمزد بهتری دریافت کنند، می‌توانند تامین مالی آژانس را افزایش دهند. شرکت‌هایی که هیئت مدیره آنها از نظر سیاسی مرتبط هستند قربانی‌هایی مانند بازپرداخت رشوه یا بودجه مبارزاتی برای رفتار به نفع دولت می‌شوند. مزایایی که می‌توان به دست آورد دسترسی بیشتر به منابع مالی دولتی، افزایش تدارکات قراردادهای دولتی، حفاظت از رقابت در بازار و رفتار نظارتی مطلوب است (کارنی و همکاران، ۲۰۲۰).

مبانی نظری
بحران مالی شرکت

در این پایان نامه برای تشریح بحران مالی شرکت از متغیر ریسک ورشکستگی استفاده می شود. بنابراین در این بخش به مروری بر مبانی نظری ریسک ورشکستگی و انواع مدل های پیشی بینی ورشکستگی شرکت ها پرداخته می شود.

تعریف ورشکستگی

با گسترش شرکت های سهامی مسائل و مشکلات مترتب از آن نیز به وجود آمد. مهمترین مشکل، مربوط به این مسئله بود که شرکت هایی که سرمایه گذار خواهان سرمایه گذاری در آنها است چه مقدار احتمال دارد که ورشکست شده و اصل و فرع سرمایه سهامداران از بین برود.

در ادبیات مالی واژه های غیر متمایزی برای ورشکستگی وجود دارد. برخی از این واژه ها عبارت اند از: وضع نامطلوب مالی، شکست، عدم موفقیت واحد تجاری، وخامت، ورشکستگی، عدم توان پرداخت دیون و غیره ... (رسول زاده، ۱۳۸۸). دان و براد استریت اصطلاح شرکت های ورشکسته را این طور تعریف می کنند: واحدهای تجاری که عملیات تجاری که عملیات خود را به علت واگذاری یا ورشکستگی یا توقف انجام عملیات تجاری یا زیان توسط بستانکاران، متوقف نمایند (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۸).

بررسی قانون ورشکستگی در برخی کشورها

پژوهش در مورد علل ورشکستگی در بسیاری از کشورهای سراسر جهان انجام شده است. نتایج به دست آمده متفاوت است، از آن جمله لاپورتا، لویز، دی سیلاتر، اشلیفر، و ویشنی، ۱۹۹۹ اختلافات بین کشورها در نوع قوانین، مقررات و اجرای آن در مورد روش های ورشکستگی را بررسی کردند. نتیجه یافته های آنها این بود که کشورهای دارای سامانه قضایی قوی تر و حفاظت از سرمایه گذار، بازارهای اعتبار تشویق می کنند. کلاسنس، جانکو و کلاپر (۲۰۰۲)، دریافتند که در یک نمونه از کشورهای آسیای شرقی، بستانکاران بیشتر در معرض تحمل هزینه های ورشکستگی هستند.

کلاپر (۲۰۰۱)، طی پژوهشی برای بانک جهانی، روی کشورهای مختلف در دنیا و قوانین ورشکستگی آنها مطالعه کرده است. کشورهای مورد مطالعه وی همگی قوانین ورشکستگی داشتند که نقدینگی و تجدید ساختار این شرکت را مجاز می کرد او در مورد اینکه چرا نتیجه استفاده از قوانین یکسان در کشورهای مختلف تغییر می کند، مطالعه کرد. وی انتظار داشت که این مسئله به تفاوت های موجود در سامانه های قضایی مربوط باشد. در ضمن تأثیر توسعه بازارهای سرمایه، مقیاس بخش بانکداری و رشد اقتصادی کلان بر استفاده از قانون ورشکستگی نیز مورد انتظار بود.

کلاپر (۲۰۰۱)، ۳۷ کشور و داده های قانونی، مالی و سایر مشخصه های آنها را که بر ورشکستگی قانونی شرکت ها تأثیر می گذارد، بررسی کرد. او دریافت که اگر کارایی سامانه قضایی بالا باشد، حقوق بستانکاران در کشور قوی، سامانه مالی بازار گرا، و روابط بانکی ضعیف تر باشد، ورشکستگی های قانونی شرکت ها بیشتر خواهد بود.

مطالعات بانک نشان می دهد که کشورهایی که مبنای قانون عرضی (انگلیس مدار) دارند، بیشترین حفاظت از سرمایه گذار را فراهم می سازند در حالی که آنها که مبدأ قانون مدنی دارند (فرانسه، آلمان، اسکاندیناوی) حداقل حفاظت از حقوق سرمایه گذار را ارائه می دهند. به علاوه یافته ها نشان داد که ارتباط سهمی بین مبدأهای قانونی و اداره شرکت (موضوعاتی مثل پرداخت سود و مالکیت شرکت) و در سراسر دنیا وجود دارد (منصور، ۱۳۸۹).

هیأت مدیره

یکی از موارد مهم حاکمیت شرکتی که در سال های اخیر توجه زیادی به آن شده و اصلاح گردیده است، ساختار هیأت مدیره است. یک هیأت مدیره به عنوان تیمی از افراد با مسئولیت هدایت و رهبری یک شرکت و با هدف اولیه محافظت از منافع سهامداران نگریده می شود. بنابراین یک هیأت مدیره در تنظیم اهداف شرکت که همانا حداکثر کردن ارزش سهامداران در بلندمدت است، مسؤول می باشد. هیأت مدیره برای اینکه از بکارگیری مؤثر یک استراتژی اطمینان حاصل

کند. عملکرد مدیریت را به دقت مورد بازنگری قرار می‌دهد و این کار را با هدف اعطای پاداش یا تنبیه مدیریت انجام می‌دهد (مولودی، ۱۳۸۸). هیأت مدیره مهم‌ترین بخش کنترل در سطح شرکت است.

اندازه هیأت مدیره

اندازه هیأت مدیره، عبارت است از تعداد مدیران - اعم از موظف یا غیرموظف - است که عضو هیأت مدیره هستند. تئوری نمایندگی بیان می‌کند که بیشتر بودن تعداد اعضا، نقشی حیاتی در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی شرکت‌ها دارد. همچنین با افزایش تعداد اعضا، امکان کنترل مدیریت افزایش می‌یابد و تجربه هیأت مدیره نیز بالا می‌رود (ماتوسی و چاکرون ۲۰۰۶). به عقیده تریکر در خصوص ترکیب هیأت مدیره چهار ویژگی وجود دارد: ۱. هیأت مدیره باید دارای تنوع باشد. ۲. هیأت مدیره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا کاردانی و صلاحیتی را به دست بیاورد که خاص این وظیفه باشد. ۳. هیأت مدیره باید دارای تصدی باشد. ۴. اعضای هیأت مدیره باید با تجربه باشد (علوی طبری، رجبی و شهبازی، ۱۳۹۰).

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه با هدف به دست آوردن شواهد تجربی از تأثیر اندازه هیئت مدیره، زن در هیئت مدیره بر بحران مالی، و همچنین نقش ارتباطات سیاسی در تعدیل اندازه هیئت مدیره، زن در هیئت مدیره بر بحران مالی انجام شده است. این مطالعه به دنبال شناسایی تأثیر اندازه هیئت مدیره، زن در هیئت مدیره بر بحران مالی، و نقش ارتباطات سیاسی در تعدیل اندازه هیئت مدیره، زن در هیئت مدیره بر بحران مالی است. این مطالعه از یک رویکرد کمی با جامعه و نمونه تحقیق با استفاده از شرکت‌های فهرست‌شده در بورس اوراق بهادار اندونزی در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ استفاده می‌کند. این مطالعه اندازه هیئت مدیره، زن در هیئت مدیره در مورد مشکلات مالی را از داده‌های وبسایت بورس اندونزی و شرکت‌های سال ۲۰۱۶ جمع‌آوری می‌کند. ۲۰۲۱ و از جستجوی گوگل استفاده می‌کند. روش تحلیل داده‌ها در این تحقیق از روش تحلیل رگرسیون معمولی حداقل مربعات، اثرات ثابت، اثرات تصادفی، مقاوم با نرم افزار Stata استفاده می‌کند. نرم‌افزار Stata یکی از روش‌های تکمیل رگرسیون است که از انعطاف‌پذیری بالایی در تحقیقات برخوردار است که نظریه و داده‌هایی را که می‌توان بر روی متغیرهای تحقیق انجام داد، پیوند می‌دهد. اولین یافته توضیح می‌دهد که اندازه هیئت مدیره تأثیر منفی بر بحران مالی ندارد. یافته دوم توضیح می‌دهد که کمیسیون‌های زن تأثیر مثبت و معناداری بر بحران مالی دارند. سومین یافته توضیح می‌دهد که کارگردان زن تأثیر مثبت و معناداری بر بحران مالی دارد. یافته چهارم توضیح می‌دهد که نقش ارتباطات سیاسی تقویت می‌شود و تأثیر قابل توجهی بر اندازه هیئت مدیره بر بحران مالی دارد. یافته پنجم توضیح می‌دهد که نقش ارتباطات سیاسی ضعیف می‌شود و به‌طور قابل توجهی بر خانم کمیسر در بحران مالی تأثیر می‌گذارد. یافته ششم توضیح می‌دهد که نقش ارتباطات سیاسی تأثیر مدیران زن بر بحران مالی را تضعیف می‌کند. پیامدهای عملی نتایج این مطالعه می‌تواند به مدیریت شرکت و دولت در سیاست‌گذاران در خصوص تأثیر اندازه هیئت مدیره، کمیسیون‌های زن، مدیران زن بر بحران مالی و ارزیابی نقش ارتباطات سیاسی در تعدیل تأثیر اندازه هیئت مدیره، زنان کمک کند. تلویحات نظری نتایج این مطالعه می‌تواند نظریه نمایندگی را تبیین کند. تا آنجا که نتایج مشاهدات محققین تاکنون پژوهشی در این زمینه و برای ارزیابی نقش ارتباطات سیاسی در تعدیل اثر اندازه هیئت مدیره، کمیسیون‌های زن، مدیران زن بر بحران مالی پیدا نکرده است.

ایروان (۲۰۲۳)، این مطالعه با هدف آزمون و تحلیل تأثیر رفتار فرصت طلبانه، تنوع جنسیتی هیئت مدیره، بحران مالی، کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی انجام شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کمی با آزمون فرضیه است. نوع داده مورد استفاده گزارش سالانه شرکت است. موضوع مطالعه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار اندونزی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ می باشد. روش گردآوری داده ها اسنادی است. نمونه های مورد استفاده در این پژوهش ۱۶۰ شرکت تولیدی بودند که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. نتایج نشان داد که هر چه هیئت مدیره متنوع تر باشد، تمایل مدیریت به اجرای تکنیک های مدیریت سود واقعی ناشی از جریان های نقدی غیرعادی، هزینه های تولید غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی کمتر می شود. هر چه پریشانی مالی بیشتر باشد، تمایل مدیریت به اجرای تکنیک های مدیریت سود واقعی که هم توسط جریان نقدی عملیاتی غیرعادی، هزینه های تولید غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی است، افزایش می یابد. هرچه مدیریت رفتار فرصت طلبانه تری داشته باشد، تمایل مدیریت به اجرای تکنیک های مدیریت سود واقعی که توسط جریان های نقدی عملیاتی غیرعادی است، بیشتر می شود. هرچه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد، تمایل مدیریت به انجام مدیریت سود واقعی پایین، هر دو ناشی از جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه های تولید غیرعادی، و هزینه های اختیاری غیرعادی است. هرچه ارتباطات سیاسی ایجاد شده بیشتر باشد، تمایل مدیریت به اجرای تکنیک های مدیریت سود واقعی که توسط جریان نقدی عملیاتی غیرعادی، هزینه های تولید غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی است، کمتر می شود.

پیشینه داخلی

تقوی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به تاثیر جریان های نقد، استقلال هیات مدیره و اندازه شرکت بر بحران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند. جریان های نقدی در بسیاری از تصمیم گیری های مالی، مدل های ارزیابی اوراق بهادار، روش های ارزیابی طرح های سرمایه ای و برخی تجزیه و تحلیل های سنتی و جدید مدیریت مالی، نقشی محوری دارند. درماندگی مالی بیانگر شرکت نتواند به طور کامل به تعهد های خود در برابر تامین کنندگان مالی عمل کرده و در برآورده کردن آنها با مشکل مواجه شود. مراحل نامطلوب شدن وضع مالی شرکت را به دوره نهفتگی، کسری وجه نقد، نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، نبود قدرت پرداخت دیون کامل و در نهایت ورشکستگی تقسیم کرد. هدف از انجام این پژوهش، تاثیر جریان های نقد، استقلال هیات مدیره و اندازه شرکت بر بحران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می دهند که طی سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در بورس فعالیت داشته اند. جهت تعیین حجم نمونه مناسب از این جامعه، از روش حذف سیستماتیک و اعمال محدودیت های نمونه گیری ۱۰۰ شرکت انتخاب شده اند. جهت آزمون فرضیه پژوهش، از مدل رگرسیون چند متغیره برای بررسی ارتباط بین متغیرها و نرم افزار EViews استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که جریان نقد آزاد شرکت بحران مالی شرکت ها تاثیر دارد.

خرقانی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به تاثیر خودشیفتگی مدیران، اندازه هیات مدیره، تنوع جنسیتی، و درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران پرداختند. شرکت ها از طرق مختلف اجتناب مالیاتی می کنند و عوامل بسیاری در اجتناب از مالیات ها نقش و تاثیر دارند. در راستای تجزیه و تحلیل نقش سازوکار حاکمیت شرکتی و ویژگی های رفتار مدیران در گزار شگری مالی شرکت ها، پژوهش حاضر به بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیران، اندازه هیات مدیره، تنوع جنسیتی، و درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می پردازد. برای دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۱۰۱ شرکت با روش نمونه گیری حذفی به عنوان نمونه پژوهش برای دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۳ انتخاب گردید. برای حاکمیت شرکتی از مکانیزم های اندازه هیات مدیره و تنوع جنسیتی در هیات مدیره استفاده شد. همچنین برای اندازه گیری خودشیفتگی مدیران از معیار مازاد سرمایه گذاری شرانده و زچمن (۲۰۱۲)، و در محاسبه اجتناب از پرداخت مالیات نیز از نرخ موثر مالیاتی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد بین خودشیفتگی و درماندگی مالی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد بیت اندازه هیات مدیره و تنوع جنسیتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۱)، این پژوهش با هدف بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی و همچنین اثر ارتباطات سیاسی بر رابطه میان محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی با بازده غیرعادی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفته است. نمونه آماری مورد مطالعه، شامل ۱۶۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال های ۱۳۹۱-۱۳۹۷ است. در این پژوهش از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی دارد؛ همچنین ارتباطات سیاسی شدت رابطه منفی میان محدودیت مالی با بازده غیرعادی را تقویت می کند، در واقع شرکت هایی که دچار محدودیت مالی اند و همزمان از ارتباطات سیاسی بهره مند هستند، نسبت به شرکت های فاقد ارتباطات سیاسی که از محدودیت مالی رنج می برند، بازده غیرعادی کمتری دارند. همچنین ارتباطات سیاسی، جهت رابطه منفی میان ریسک درماندگی مالی و بازده غیرعادی را به مثبت تغییر می دهد؛ به عبارت دیگر، شرکت هایی که دچار درماندگی مالی اند و در عین حال دارای ارتباطات سیاسی هستند، بازده غیرعادی بیشتری نسبت به شرکت های فاقد ارتباطات سیاسی که دچار درماندگی مالی هستند، دارند.

حمیدیان و همکاران (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر ویژگی های هیئت مدیره، شاخصه های قدرت مدیرعامل و بحران مالی بر ریسک پذیری بانک های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران می باشد. روش شناسی پژوهش: جامعه آماری این پژوهش از میان ۱۸ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ می باشد. در این تحقیق از داده های پانل (تابلویی) با اثرات ثابت استفاده شده است. یافته های پژوهش: نتایج فرضیه اول تا ششم به ترتیب نشان داد که اندازه هیئت مدیره بر ریسک پذیری بانک ها (ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی) تاثیر معنادار و منفی دارد. استقلال هیئت مدیره بر ریسک پذیری بانک ها (ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی) تاثیر معنادار و منفی دارد؛ تخصص هیئت مدیره بر ریسک پذیری بانک ها (ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی) تاثیر معنادار و منفی ندارد. حقوق مدیر عامل بر ریسک پذیری بانک ها (ریسک اعتباری) تاثیر معنادار و منفی ندارد؛ اما این تاثیرگذاری بر ریسک نقدینگی مثبت می باشد؛ دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیات مدیره بر ریسک پذیری بانک ها (ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی) تاثیر معنادار و منفی دارد. بحث و نتیجه گیری: هیئت مدیره های بزرگتر به دلیل در دسترس بودن سرمایه انسانی بیشتر و نظم و تعادل بیشتر در فرآیند تصمیم گیری، ریسک پذیری را کاهش می دهند. مطابق با مفروضات تئوری نمایندگی، تعداد مدیرانی که در هیئت مدیره شرکتی فعالیت می کنند با نتیجه تصمیمات هیئت مدیره مرتبط هستند.

نصیرزاده و مرندي (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و بحران مالی واحدهای اقتصادی با تاکید بر نقش تعدیل کننده ارتباطات سیاسی است. روش شناسی: این مطالعه از نوع مطالعات، کاربردی و پس رویدادی است. جهت اندازه گیری مسئولیت اجتماعی شرکت ها از مقیاس مران جوری و همکاران (۱۳۹۳)، و برای اندازه گیری ارتباطات سیاسی از چهار معیار مختلف استفاده شد. همچنین به منظور اندازه گیری بحران مالی واحدهای اقتصادی، از معیار بومی سازی شده کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳)، بهره گرفته شد. جامعه و نمونه: جامعه آماری در بر گیرنده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۴ است که داده های ۱۰۳ شرکت مورد بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل فرضیه های پژوهش از الگوی رگرسیون تابلویی اثرات ثابت بهره گرفته شد. یافته های پژوهش: حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین مسئولیت پذیری اجتماعی و بحران مالی بود. بدین معنا که با افزایش سطح مسئولیت پذیری اجتماعی، احتمال بحران های مالی در واحدهای اقتصادی کاهش می یابد. دیگر نتایج نشان داد که ارتباطات سیاسی عمدتاً رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و بحران های مالی را تعدیل می کند.

نونهال نهر و همکاران (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی میپردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) میباشد. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۱۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره‌ی زمانی ۶ ساله بین سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ مورد تحقیق قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مربوط برای اندازه‌گیری متغیرها از سایت کدال و صورتهای مالی شرکتها جمع آوری شده و در اکسل محاسبات اولیه صورت گرفته سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار ایویوز و از رگرسیون چندگانه با الگوی داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان میدهد که بین ارتباطات سیاسی و بحران مالی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. همچنین، بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

❖ بررسی تاثیراندازه هیئت مدیره و زنان در هیئت مدیره بر بحران مالی با توجه به نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی

اهداف ویژه

- ✓ بررسی رابطه بین اندازه هیئت مدیره و بحران مالی
- ✓ بررسی رابطه بین زنان در هیئت مدیره و بحران مالی
- ✓ بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه هیئت مدیره و بحران مالی
- ✓ بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین زنان در هیئت مدیره و بحران مالی

فرضیه‌های پژوهش

- ✓ فرضیه اول: بین اندازه هیئت مدیره و بحران مالی رابطه معناداری وجود دارد.
- ✓ فرضیه دوم: بین زنان در هیئت مدیره و بحران مالی رابطه معناداری وجود دارد.
- ✓ فرضیه سوم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه هیئت مدیره و بحران مالی تاثیر گذار است.
- ✓ فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین زنان در هیئت مدیره و بحران مالی تاثیر گذار است.
- ✓ بحران مالی: کاهش قدرت سودآوری شرکت ها که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره واصل بدهی را افزایش می دهد و یا به عبارتی، وضعیتی که در آن جریانهای نقدی شرکت از مجموع هزینه های بهره مربوط به بدهی بلندمدت کمتر است (احدی دولت سرا، ۱۳۸۷). شرکت از طریق مدل پیش بینی ورشکستگی آلتمن اندازه گیری می شود.

متغیرهای مدل آلتمن

مدل (Z-score) به صورت زیر است:

$$\text{Altman-Z} = 0.0012 (\text{WC}) + 0.014 (\text{RE}) + 0.033 (\text{EBIT}) + 0.0006 (\text{MVE}) + 0.00999 (\text{NCI})$$

WC: سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

RE: سود یا زیان انباشته به کل دارایی‌ها

EBIT: سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

MVE: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها

NCI: فروش به دارایی

تنوع جنسیتی: استفاده از زنان در چارچوب عضویت هیئت مدیره و کمیته حسابرسی شرکتها می باشد به صورتی که حداقل یک عضو از اعضای هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی شرکت را زنان تشکیل دهند. لذا زمانی که تمامی اعضای هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی شرکت را مردان تشکیل دهند شرکت فاقد تنوع جنسیتی است (لی هی کاو و همکاران، ۲۰۱۶). مجموع اعضای زن در هیئت مدیره تقسیم بر مجموع اعضای هیئت مدیره اندازه هیأت مدیره: عبارت است از تعداد مدیران - اعم از موظف یا غیرموظف - است که عضو هیأت مدیره هستند. ارتباطات سیاسی: فاسیو (۲۰۱۷)، شرکت های دارای ارتباطات سیاسی را این گونه تعریف می کند: شرکتی که حداقل یکی از سهام داران عمده یا یکی از اعضای هیئت مدیره آن دولتی باشند یا عضو هیئت مدیره یک شرکت دولتی باشند. منافع سیاسی شرکتها می تواند به دو طریق باشد پرداخت کردن و یا اهدا وجوه به سیاستمداران یا بخش های سیاسی و دولتی.

ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی (PC_GOV): اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (سهامداری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت های وابسته به دولت باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸).

ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت (PC_BSH): از طریق لگاریتم مجموع پرداختی ها به دولت قابل اندازه گیری می باشد؛ بنابراین جهت اندازه گیری میزان ارتباطات سیاسی شرکت از نسبت مجموع مالیات پرداختی شرکت، بیمه پرداختی شرکت (کارفرما و کارکنان)، هزینه های ناشی از کمک های بلاعوض به اشخاص و ارگانها و نهادها و حقوق گمرکی صادرات به دست می آید. (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸).

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف اجرا از نوع کاربردی است. تحقیق کاربردی، تحقیقی است که به منظور حل مشکل یا معضل خاص علمی یا اجتماعی انجام می گیرد. زیرا این پژوهش در مورد عملکرد یک سازمان زنده و پویا انجام می شود که سازمان مذکور می تواند از نتایج آن استفاده کند و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از رگرسیون، تعیین می نماید. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس رویدادی (استفاده از رویدادهای گذشته) قرار می گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم است. این تحقیق از نظر زمان اجرا تحقیقی مقطعی است چرا که مقطع زمانی خاصی را مورد بررسی قرار می دهد.

جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری شامل، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۱ می باشد که تعداد آنها برابر با ۵۰۴ شرکت بوده است.

همچنین بازه زمانی تحقیق حاضر از سال ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۱ می باشد.

در این پژوهش از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک استفاده شده است. در این روش شرکت های عضو جامعه پژوهش که شرایط ذیل را نداشته اند حذف شده و بقیه شرکت ها به عنوان شرکت های نمونه آماری انتخاب خواهند شد: به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت ها به پایان اسفند ختم شود.

در دوره زمانی مورد پژوهش حداقل هر سه ماه یکبار سهام آنها مورد مبادله واقع شده باشد.
در طول دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشد.
شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۴۰۱ از بورس خارج نشده باشد.

صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی مربوط به آنها به طور کامل در دسترس باشد.
شرکت‌های سرمایه گذاری، واسطه‌های مالی، هلدینگ، بیمه و بانک باشند.
با توجه به محدود بودن تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نمونه آماری پژوهش حاضر برابر با ۱۰۴ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که اطلاعات آنها در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ در دسترس باشد.

در جدول ۱ انتخاب نمونه پژوهش شرح داده شده است.

جدول (۱): چگونگی انتخاب شرکت‌های مورد مطالعه در پژوهش

شرح	تعداد	
اعضای جامعه آماری در پایان سال ۱۴۰۱	۵۰۴	جمع کل
شرکت‌های که اطلاعات آن‌ها در بخش تعریف متغیرها در دسترس نباشد.	(۹۸)	فیلتر
شرکت‌ها که قبل از سال ۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته نشده باشند.	(۷۹)	فیلتر
شرکت‌ها در طول دوره مورد بررسی توقف عملیات بیش از سه ماه داشته باشند.	(۸۷)	فیلتر
شرکت‌های سرمایه گذاری، واسطه‌های مالی، هلدینگ، بیمه و بانک باشند.	(۷۲)	فیلتر
شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی داده باشند.	(۶۸)	فیلتر
جمع شرکت‌های حذف شده از جامعه آماری	(۴۰۰)	کل فیلتر
جمع شرکت‌های عضو نمونه	۱۰۴	مانده

متغیر وابسته؛ (بحران مالی)

بحران مالی (FD): شرکت از طریق مدل پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای مدل آلتمن

مدل (Z-score) به صورت زیر است:

$$\text{Altman-Z} = 0.0012 (\text{WC}) + 0.014 (\text{RE}) + 0.033 (\text{EBIT}) + 0.0006 (\text{MVE}) + 0.00999 (\text{NCI})$$

WC: سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

RE: سود یا زیان انباشته به کل دارایی‌ها

EBIT: سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

MVE: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها

NCI: فروش به دارایی

متغیر مستقل

اندازه هیئت مدیره (BZ): تعداد اعضای هیئت مدیره

زنان در هیئت مدیره (WOMD): مجموع اعضای زن در هیئت مدیره تقسیم بر مجموع اعضای هیئت مدیره

متغیر تعدیلی:

ارتباطات سیاسی (PC):

ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی (PC_GOV): اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (سهامداری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت های وابسته به دولت باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸).

ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت (PC_BSH): از طریق لگاریتم مجموع پرداختی ها به دولت قابل اندازه گیری می باشد؛ بنابراین جهت اندازه گیری میزان ارتباطات سیاسی شرکت از نسبت مجموع مالیات پرداختی شرکت، بیمه پرداختی شرکت (کارفرما و کارکنان)، هزینه های ناشی از کمک های بلاعوض به اشخاص و ارگانها و نهادها و حقوق گمرکی صادرات به دست می آید. (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸).

متغیرهای کنترلی

بازده حقوق صاحبان سهام (ROA): سود خالص تقسیم بر مجموع کل دارایی ها
در این پژوهش از مدل زیر برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده شده است:

$$FD_{it} = a_0 + \beta_1 BZ_{it} + \beta_2 WOMD_{it} + \beta_3 ROA_{it} + E_{it}$$

$$FD_{it} = a_0 + \beta_1 BZ_{it} * PC_{it} + \beta_2 WOMD_{it} * PC_{it} + \beta_3 ROA_{it} + E_{it}$$

یافته های پژوهش

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
بحران مالی	FD	۱۴۸۰	۰.۰۲۰	۰.۰۱۹	۰.۰۳۷	۰.۰۰۵	۰.۰۰۹
اندازه هیأت مدیره	BZ	۱۴۸۰	۵.۰۲۴	۵.۰۰۰	۷.۰۰۰	۵.۰۰۰	۰.۲۱۹
زنان در هیأت مدیره	WOMD	۱۴۸۰	۰.۱۰۱	۰.۰۰۰	۰.۶۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۴۰
ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	PC_GOV	۱۴۸۰	۰.۵۵۷	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۴۹۷
ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	PC_BSH	۱۴۸۰	۰.۰۵۹	۰.۰۴۹	۰.۱۴۷	۰.۰۱۵	۰.۰۳۷
بازده دارایی ها	ROA	۱۴۸۰	۰.۱۴۸	۰.۱۲۴	۰.۴۳۶	-۰.۰۴۶	۰.۱۳۴

در جدول فوق برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج نشان می دهد که میانگین متغیر بحران مالی ۰.۰۲۰ می باشد که با توجه با انحراف معیار (۰.۰۰۹) از نوسان پذیری پایینی برخوردار است. میانگین متغیر بازده دارایی ها ۰.۱۴۸ می باشد که با توجه به انحراف معیار (۰.۱۳۴) از نوسان پذیری پایینی برخوردار است. میانگین متغیر زنان در هیأت مدیره ۰.۱۰۱ می باشد که نشان دهنده این است که تقریباً ۱۰.۱٪ اعضای هیأت مدیره شرکت های بورسی را زنان تشکیل می دهند.

بررسی ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

جدول (۲): ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
(۱)	FD	۱.۰۰۰					
	احتمال	-----					
(۲)	BZ	-۰.۱۳۸	۱.۰۰۰				
	احتمال	۰.۰۰۰	-----				
(۳)	WOMD	-۰.۱۷۸	۰.۱۴۹	۱.۰۰۰			

			-----	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	احتمال	
		۱.۰۰۰	۰.۰۵۴	-۰.۱۱۲	-۰.۲۰۱	PC_GOV	(۴)
		-----	۰.۰۳۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	احتمال	
	۱.۰۰۰	۰.۰۰۹	۰.۰۰۰	-۰.۰۲۹	-۰.۱۵۵	PC_BSH	(۵)
	-----	۰.۷۳۲	۰.۹۹۴	۰.۲۶۶	۰.۰۰۰	احتمال	
۱.۰۰۰	-۰.۲۱۴	-۰.۱۶۳	۰.۰۱۳	-۰.۰۳۹	-۰.۳۹۱	ROA	(۶)
-----	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۶۰۷	۰.۱۳۴	۰.۰۰۰	احتمال	

با توجه به جدول (۲) نتایج بدست آمده از جدول ضریب همبستگی نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، اندازه هیأت مدیره، زنان در هیأت مدیره، ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت و بازده دارایی ها با بحران مالی همبستگی معکوس (منفی) و معناداری دارند.

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	لوین، لین و چو		نماد	متغیرها
	احتمال	آماره		
بحران مالی	۰.۰۰۰۰	-۱۰.۸۲۳۱	FD	بحران مالی
اندازه هیأت مدیره	۰.۰۰۰۱	-۳.۷۰۱۲	BZ	اندازه هیأت مدیره
زنان در هیأت مدیره	۰.۰۰۰۰	-۲۴.۴۵۱۲	WOMD	زنان در هیأت مدیره
ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	۰.۰۰۰۰	-۲۰.۴۴۰۰	PC_GOV	ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی
ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	۰.۰۰۰۰	-۹۷.۵۱۹۲	PC_BSH	ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت
بازده دارایی ها	۰.۰۰۰۰	-۱۰.۹۲۲۲	ROA	بازده دارایی ها

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نتیجه	احتمال	آماره	آزمون	مدل
روش تابلویی	۰.۰۱۴۵	۲.۳۰۰۱	F لیمر	اول
الگوی اثرات ثابت	۰.۰۴۷۹	۷.۹۱۱۳	هاسمن	
روش تابلویی	۰.۰۱۵۳	۲.۲۸۳۹	F لیمر	دوم
الگوی اثرات ثابت	۰.۰۰۲۹	۱۹.۸۵۸۳	هاسمن	
روش تابلویی	۰.۰۰۷۸	۲.۴۹۹۷	F لیمر	سوم
الگوی اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۴۱.۹۵۶۹	هاسمن	

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا

نتیجه	احتمال	آماره F	مدل
ناهمسانی واریانس جزء خطا	۰.۰۰۰۰	۹.۰۱۲۴	اول
ناهمسانی واریانس جزء خطا	۰.۰۰۰۰	۷.۴۰۰۳	دوم

سوم	۶.۹۲۴۵	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
-----	--------	--------	--------------------------

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	۱.۳۰۷۷	۰.۲۷۲۳	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
دوم	۰.۶۳۳۲	۰.۵۳۲۷	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
سوم	۰.۵۴۸۴	۰.۵۷۹۳	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
اندازه هیأت مدیره	BZ	۰.۰۰۰۱۹۱	۱.۶۸۷۷۸۴
زنان در هیأت مدیره	WOMD	۰.۰۰۰۷۱۷	۱.۶۰۹۹۲۷
بازده دارایی ها	ROA	۰.۰۰۰۶۶۶	۱.۶۷۹۵۱۷

جدول (۸): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
اندازه هیأت مدیره	BZ	۰.۰۰۰۶۰۹	۱.۹۷۹۵۴۴
زنان در هیأت مدیره	WOMD	۰.۰۰۰۵۳۸	۱.۹۵۳۶۶۴
ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	PC_GOV	۰.۰۰۰۶۱۰	۱.۸۶۵۰۰۳
اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	BZ*PC_GOV	۰.۰۰۰۵۸۸	۲.۰۲۷۱۱۳
زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	WOMD*PC_GOV	۰.۰۰۰۵۷۵	۲.۰۴۱۴۱۸
بازده دارایی ها	ROA	۰.۰۰۰۸۴۹	۱.۵۹۱۷۹۵

جدول (۹): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی مدل سوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
اندازه هیأت مدیره	BZ	۰.۰۰۰۵۹۴	۱.۹۶۲۷۹۲
زنان در هیأت مدیره	WOMD	۰.۰۰۰۵۳۰	۱.۹۵۷۹۵۲
ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	PC_BSH	۰.۰۰۰۶۰۱	۱.۸۶۸۸۵۵
اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	BZ*PC_BSH	۰.۰۰۷۵۹۳	۲.۶۶۵۷۷۲
زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	WOMD*PC_BSH	۰.۰۰۰۵۷۹	۲.۰۲۷۰۴۰
بازده دارایی ها	ROA	۰.۰۰۰۸۶۴	۱.۵۹۸۶۴۵

تخمین مدل و آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۹) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰.۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۱.۹۸۱ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۶۳.۳٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیر کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، بین بازده دارایی ها و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر اندازه هیأت مدیره، -0.065527 بوده که نشان دهنده رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر اندازه هیأت مدیره در سطح اطمینان 95% معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان 95% فرضیه اول پژوهش را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش اندازه هیأت مدیره، بحران مالی کاهش می یابد.

جدول (۱۰): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر وابسته: بحران مالی روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر
مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت
اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره
زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره
بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها
ضریب تعیین		ضریب تعیین		ضریب تعیین	
ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین تعدیل شده	
دوربین-واتسون		دوربین-واتسون		دوربین-واتسون	
آماره F		آماره F		آماره F	
احتمال (آماره F)		احتمال (آماره F)		احتمال (آماره F)	

فرضیه دوم: بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش نیز از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۱۰) بهره گرفته شده است. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر زنان در هیأت مدیره، -0.097426 بوده که نشان دهنده رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر زنان در هیأت مدیره در سطح اطمینان 95% معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان 95% فرضیه دوم پژوهش را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش زنان در هیأت مدیره، بحران مالی کاهش می یابد.

فرضیه سوم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیرگذار است.

به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش از نتایج تخمین مدل های ارائه شده در جداول (۱۱) و (۱۲) بهره گرفته شده است. با توجه به جدول (۱۱) مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر 0.00000 بوده و چون این مقدار کمتر از 0.05 است، فرض صفر در سطح اطمینان 95% رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون 1.979 می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً 65.3% تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیر کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان 95% ، بین بازده دارایی ها و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، 0.087737 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه سوم پژوهش را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد.

جدول (۱۱): نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر وابسته: بحران مالی روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر
مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت
اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره
زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره
ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی
اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی
زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی
بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها
ضریب تعیین		ضریب تعیین		ضریب تعیین	
ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین تعدیل شده	
دوربین-واتسون		دوربین-واتسون		دوربین-واتسون	
آماره F		آماره F		آماره F	
احتمال (آماره F)		احتمال (آماره F)		احتمال (آماره F)	

با توجه به جدول (۱۱) مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰.۰۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱.۹۹۳ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۶۶.۸٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

نتایج حاصل از متغیره کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، بین بازده دارایی ها و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت، 0.095327 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه سوم پژوهش را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت بر رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد.

جدول (۱۲): نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

متغیر وابسته: بحران مالی					
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر
مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت	مقدار ثابت
اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره
زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره	زنان در هیأت مدیره
ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت
اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت
زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت	زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت
بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها	بازده دارایی ها
ضریب تعیین		ضریب تعیین		ضریب تعیین	
ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین تعدیل شده	
دوربین-واتسون		دوربین-واتسون		دوربین-واتسون	
آماره F		آماره F		آماره F	
احتمال (آماره F)		احتمال (آماره F)		احتمال (آماره F)	

	(F)	
--	-----	--

فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیرگذار است.

به منظور آزمون فرضیه چهارم پژوهش از نتایج تخمین مدل های ارائه شده در جداول (۱۱) و (۱۲) بهره گرفته شده است. با توجه به جدول (۱۱) در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، 0.061840 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه چهارم پژوهش را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد.

با توجه به جدول (۱۲) در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت، 0.068696 بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت بر رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه چهارم پژوهش را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت بر رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت، رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج یافته های پژوهش و مطابقت با تحقیقات پیشین

براساس فرضیه اول پژوهش انتظار می رود که بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی رابطه معناداری وجود داشته باشد. به منظور آزمون این فرضیه، از تکنیک رگرسیون داده های ترکیبی بهره گرفته شد که نتایج تخمین مدل، در جدول (۱۰) ارائه گردیده است. با استفاده از آماره t معنی داری ضرایب برآوردی متغیر اندازه هیأت مدیره مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضرایب برآوردی اندازه هیأت مدیره می باشند. همچنین مقدار آماره F نشان می دهد که کل مدل برآوردی معتبر است. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش اندازه هیأت مدیره، بحران مالی کاهش می یابد. نتایج این فرضیه با پژوهش نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

براساس فرضیه دوم پژوهش انتظار می رود که بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی رابطه معناداری وجود داشته باشد. به منظور آزمون این فرضیه، از تکنیک رگرسیون داده های ترکیبی بهره گرفته شد که نتایج تخمین مدل، در جدول (۱۰) ارائه گردیده است. با استفاده از آماره t معنی داری ضرایب برآوردی متغیر زنان در هیأت مدیره مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضرایب برآوردی زنان هیأت مدیره می باشند. همچنین مقدار آماره F نشان می دهد که کل مدل برآوردی معتبر است. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که بین زنان در هیأت

مدیره و بحران مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش زنان در هیأت مدیره، بحران مالی کاهش می یابد. نتایج این فرضیه با پژوهش نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

براساس فرضیه سوم پژوهش انتظار می رود که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیرگذار باشد. به منظور آزمون این فرضیه، از تکنیک رگرسیون داده های ترکیبی بهره گرفته شد که نتایج تخمین مدل، در جدول (۱۱) ارائه گردیده است. با استفاده از آماره t معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی می باشند. همچنین مقدار آماره F نشان می دهد که کل مدل برآوردی معتبر است. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

براساس فرضیه سوم پژوهش انتظار می رود که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیرگذار باشد. به منظور آزمون این فرضیه، از تکنیک رگرسیون داده های ترکیبی بهره گرفته شد که نتایج تخمین مدل، در جدول (۱۱) ارائه گردیده است. با استفاده از آماره t معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی اندازه هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت می باشند. همچنین مقدار آماره F نشان می دهد که کل مدل برآوردی معتبر است. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت بر رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت، رابطه منفی بین اندازه هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

براساس فرضیه چهارم پژوهش انتظار می رود که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیرگذار باشد. به منظور آزمون این فرضیه، از تکنیک رگرسیون داده های ترکیبی بهره گرفته شد که نتایج تخمین مدل، در جدول (۱۲) ارائه گردیده است. با استفاده از آماره t معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی می باشند. همچنین مقدار آماره F نشان می دهد که کل مدل برآوردی معتبر است. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی بر رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق مالکیت دولتی، رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

براساس فرضیه چهارم پژوهش انتظار می رود که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیرگذار باشد. به منظور آزمون این فرضیه، از تکنیک رگرسیون داده های ترکیبی بهره گرفته شد که نتایج تخمین مدل، در جدول (۱۲) ارائه گردیده است. با استفاده از آماره t معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از معنی داری ضرایب برآوردی متغیر تعاملی زنان در هیأت مدیره*ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت می باشند. همچنین مقدار آماره F نشان می دهد که کل مدل برآوردی معتبر است. در حالت کلی در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج نشان می دهد که ارتباطات سیاسی از

طریق پرداختی به دولت بر رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات سیاسی از طریق پرداختی به دولت، رابطه منفی بین زنان در هیأت مدیره و بحران مالی تقویت می گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نسوانترا و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

منابع

- ✓ احمدپور، احمد، شهبواری، معصومه، عموزاد خلیلی، علیرضا، (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر ریسک ورشکستگی شرکت ها، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۱، شماره ۱۱، صص ۱-۲۶.
- ✓ ابراهیمی، سیدکاظم، بهرامی نسب، علی، محرابی هشتچین، نرگس، (۱۴۰۱)، بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی با بازده غیرعادی، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- ✓ ابزاری، مهدی، (۱۳۸۶)، تشخیص بحران مالی شرکت ها بر اساس شاخص ها، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت.
- ✓ پورحیدری، امید، کوپایی، حاجی مهدی، (۱۳۸۹)، پیش بینی بحران مالی شرکت ها با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیکی خطی، پژوهش های حسابداری مالی، شماره ۱.
- ✓ تقوی، مهدی، غفاری، فرهاد، غیبی، سید یاسر، (۱۳۸۸)، اثر بحران مالی غرب بر بورس اوراق بهادار تهران، مجله مطالعات مالی، شماره ۵.
- ✓ جعفری، اشرف، (۱۳۸۷)، کاربرد مدل زاوگین برای پیش بینی ورشکستگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- ✓ حسن زاده، علی، مهران کیانوند، (۱۳۹۱)، بحران مالی جهانی، بازار جهانی نفت و استراتژی اوپک، تازه های اقتصاد، سال هفتم، شماره ۱۲۶.
- ✓ رهنمای رودپشتی فریدون، راضیه علیخانی، مهدی مهران جوری، (۱۳۸۸)، بررسی کاربرد مدل های پیش بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، صص ۵۶-۷۶.
- ✓ رسول زاده، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی کاربرد الگوی آلتمن برای تعیین وضعیت ورشکستگی صنایع فلزات اساسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- ✓ رهنمای رود پشته، فریدون، (۱۳۸۸)، بررسی الگوی آلتمن برای پیش بینی ورشکستگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- ✓ زائر، آیت، سعیده، شفیعی، (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر بحران مالی جهانی بر درآمدهای مالیاتی کشور، پژوهشنامه مالیات، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۱۷۰-۱۳۳.
- ✓ سعیدی، علی، آرزو، آقایی، (۱۳۸۸)، پیش بینی درماندگی مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه های بیز، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، صص ۵۶-۷۶.
- ✓ علمی، محمد، (۱۳۸۷)، بحران مالی آمریکا و درس های ناشی از آن، سازمان توسعه تجارت ایران، مهرماه ۱۳۸۷.
- ✓ فیروزیان، محمود، جاوید، داریوش، نرگس، نجم الدینی، (۱۳۹۰)، کاربرد الگوریتم ژنتیک در پیش بینی ورشکستگی و مقایسه آن با مدل آلتمن در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، صص ۹۹-۱۱۴.

- ✓ فغانی نرم، مهدی، (۱۳۸۰)، ارتباط بین نسبت‌های مالی و پیش‌بینی ورشکستگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ✓ قدیری مقدم، ابوالفضل، (۱۳۸۸)، توانایی مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن و اهلسون در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۸.
- ✓ مهران‌ی ساسان، مهران‌ی کاوه، منصفی یاشار، کرمی غلامرضا، (۱۳۸۴)، بررسی کاربردی الگوهای پیش‌بینی ورشکستگی زمیسیکی و شیراتا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، صص ۱۰۵-۱۳۱.
- ✓ منصورفر، غلامرضا، غیور، فرزاد، لطفی، بهناز، (۱۳۹۵)، توانایی ماشین بردار پشتیبان در پیش‌بینی درماندگی مالی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۹۵.
- ✓ یزدان‌پرست، عبدالرحیم، احدی سرکانی، سیدیوسف، (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بحران مالی در بازارهای سرمایه عمده جهان با شاخص‌های سهام بورس اوراق بهادار تهران، قبل، طی و پس از بحران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ۶، شماره ۱۹.
- ✓ Ahmed, A. A. A., Komariah, A., Chupradit, S., Rohimah, B., Nuswantara, D. A., Nuphanudin, N., Mahmudiono, T., Suksatan, W., & Ilham, D. (2022). Investigating the relationship between religious lifestyle and social health among Muslim teachers. HTS Teologiese Studies/ Theological Studies, 78(4).
- ✓ Dian Anita Nuswantara, Fachruzzaman, Riski Dwi Prameswari, Suyanto,
- ✓ Rusdiyanto Rusdiyanto & Ignatia Martha Hendrati (2023) The role of political connection to moderate board size, woman on boards on financial distress, Cogent Business & Management, 10:1,
- ✓ Hung M, Wong T . J., & Zhang a. T. 2017. Political Considerations in the Decision of Chinese SOEs to List in Hong Kong.”. , Journal of Accounting and Economics , Vol. 53, pp. 435-449.
- ✓ Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. Journal of Accounting Research, 52(1), 193-243.
- ✓ Habib A, Muhammadi A, Jiang H. 2018. Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia, Journal of Contemporary Accounting & Economics, 13(1), 1-19.
- ✓ Indrasari A, Abdul Aris M. 2023. Effect of Financial Distress, Leverage, Capital Intensity and Operational Complexity on Accounting Conservatism. The International Journal of Business Management and Technology.
- ✓ Nuswantara Dian Anita, Fachruzzaman, Riski Dwi Prameswari, Suyanto, Rusdiyanto Rusdiyanto & Ignatia Martha Hendrati (2023) The role of political connection to moderate board size, woman on boards on financial distress, Cogent Business & Management, 10:1, 2156704,
- ✓ Prasetyo, I., Aliyyah, N., Rusdiyanto, R., Nartasari, D. R., Nugroho, S., Rahmawati, Y., Groda, S. P., Setiawan, S., Triangga, B., Mailansa, E., Kalbuana, N., & Rochman, A. S. (2021b). What Affects Audit Delay in Indonesia?. Academy of Entrepreneurship Journal, 27, 1-15.
- ✓ Prasetyo, J. E., Sabihaini, B., Susanto, B., A, A., Rahmanda, G. A., Rusdiyanto, R., S, A., & Kalbuana, N. (2021). Corporate Social Responsibility Community Development And Empowerment Program In Indonesia. Journal of Management Information and Decision Sciences, 24(1), 1-11.
- ✓ Nuswantara, D. A. (2022). Reframing whistleblowing intention: An analysis of individual and situational factors. Journal of Financial Crime.

- ✓ Samuel J , Mazlina M, Effiezal A .2016.Political connections, institutional investors and dividend payouts in Malaysia", Pacific Accounting Review, Vol. 28 Iss: 2, pp. 153 – 179.
- ✓ Susanto, H., Prasetyo, I., Indrawati, T., Aliyyah, N,. Rusdiyanto, Tjaraka, H., Syafi'ur Rochman, A., Syafi'ur Rochman, A., Rochman, Gazali, Gazali, A. S,.
- ✓ Salloum, C., Azzi, G., Mercier-Suissa, C., & Khalil, S. (2016). The rise of women and their impact on firms' performance. International Journal of Entrepreneurship and Small Business, 27(2–3), 213–246.
- ✓ Tala. A. A. and Jared. S. S., (2014), Financial performance evaluation and bankruptcy prediction, Arab Economics and Business Journal, pp. 147-155.
- ✓ Zainurrafiqi, G., & Zainurrafiqi, Z. (2021). The impacts of earnings volatility, net income and comprehensive income on share price: Evidence from Indonesia stock exchange. Accounting, 7(5), 1009–1016.
- ✓ Yun Tseng, H. ., Salam, N. . A. . ., Kazemi, M. ., Nadiheidari, H. ., & Mehlabani, E. G. . (2023). Reevaluating the Impact of Corporate Governance Mechanisms on Investment Management, Financing Strategies, and Corporate Performance. Management Analytics and Social Insights, 1(1), 1–16.
- ✓ Yuhertiana, I., Zakaria, M., Suhartini, D., & Sukiswo, H. W. (2022). Cooperative Resilience during the Pandemic: Indonesia and Malaysia Evidence. Sustainability, 14 (10), 5839.